

هم گام با
دین و زندگی (۲)

جواد محمدزاده مقدم
مدرس ضمن خدمت دین و زندگی
خراسان رضوی

اشاره

در قسمت اول، نمونه هایی از نظام حکیمانه ی جهان را در قالب موضوع «آفرینش»، صحنه ی تدبیر ارائه کردیم. از آن جا که دو درس ابتدای کتاب پیرامون نظم و عابدی در جهان و اثبات حکمت و تدبیر الهی است، در این بخش نوح نگاه قرآن به جهان هستی و ارتباط آن با خالق هستی را بررسی می کنیم و نمونه هایی از نشانه های آشکار خداوند در جهان را ارائه می دهیم. در ادامه نیز، نمونه هایی از چگونگی استفاده ی بشر از مخلوقات را برای رشد و توسعه ی زندگی خویش بیان می داریم.

امید داریم همکاران محترم با استفاده از این مقالات، ضمن افزودن بر غنای علمی خویش، تدریس خود را بهتر و عمیق تر ارائه دهند.

هستی، ترجمان حکمت و تدبیر

(قسمت سوم)

نشانه های آشکار

«هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا و قدره منازل للعلموا عند الستین والحساب...»
نظم حکیمانه ی پدیده های جهان هستی، از نور خورشید گرفته تا نور ماه، که فروغ خود را از خورشید می گیرد، و حرکت ماه در آسمان که وسیله ای است برای تعیین زمان، همه حکایتگر این هستند که این نظام و ساختار خورشید و ماه و حرکت آن ها، بی هدف و عبث نیست. خداوند جز به حق نمی آفریند و حق چیزی

قرآن کریم در باره ی ربوبیت پروردگار جهان هستی، وارد مباحث جدلی و بی روح نمی شود، بلکه با اشاره به پدیده های ملموس و روشن، توجه انسان را به آفریدگار و رب هستی جلب می کند. آسمان، زمین، خورشید، ماه و منازل آن در شب، اختلاف شب و روز، همگی، پدیده هایی هستند آشکار و ملموس.

جز استواری، ابزارمندی و هدف‌داری در خلقت خداوند نیست، چنان‌که می‌فرماید:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ...»^{۲۸}

بدین بیان است که خداوند، در آیات خود، آن را نشانه‌هایی بر می‌شمرد برای کسانی که در پی آگاهی و معرفت هستند و در این راه، خود خویش را به کار می‌بندند:

«يَفْضِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^{۲۹}

نیایش آفرینش

در کنار آیاتی که با بیان نمونه‌های خلقت، به مدیرانه بودن آفرینش اشاره می‌کنند، آیاتی را می‌توان دید که خداوند در آن‌ها، خود را به نور آسمان‌ها و زمین تشبیه کرده است. چنین آیاتی بیانگر آن هستند که خداوند، مسیر آسمان‌ها و زمین را در آفرینش، روشن می‌کند و به گونه‌ای، پرده از تدبیر و حکمت امیر بودن آفرینش برمی‌دارد:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^{۳۰}

در حقیقت چنین آیاتی، با اشاره به پلیده‌های آفرینش، دلایل توحید و یگانه‌ی خداوند را منعکس می‌سازند و ندای جانسخت حکیمانه بودن هستی را از زبان آفرینش و تسبیح و نیایش او به گوش انسان‌ها می‌رسانند:

«الْم تَرَى أَنَّ اللَّهَ يَسْبِخُ لَهُ مِنَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ...»^{۳۱}

نیایش همگامی موجودات

با نگاهی به آیات قرآن کریم که اشاره به نیایش آفرینش دارند، از چهار اصطلاح می‌توان یاد کرد که بیان می‌دارند، هر یک از موجودات جهان، به گونه‌ای خاص، خداوند هستی‌بخش را پرستش‌کنند این چهار عبارت است از: تسبیح، حمد، سجده و نماز. در آیه‌ی مورد بحث، از تسبیح و نماز موجودات سخن به میان آمده است:

«... كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ...»^{۳۲}

طبق این تعبیر قرآنی، هر یک از موجودات، خداوند خویش را

با نماز و نیایش پرستش می‌کند و خود به عبادت خویش واقف است. به عبارت دیگر، هر موجودی، راه و رسم خاص خود را دارد و برخوردار از نظام حکیمانه و ویژه‌ای است که به نوعی، گویای عظمت پروردگار خویش است. هر یک چهره‌ای از قدرت و حکمت اوست و خداوند به هر آنچه موجودات انجام می‌دهند، آگاه است:

«... وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ...»^{۳۳}

در آیات دیگر، نیایش و پرستش آفرینش در قالب سجده‌ی عمومی بیان شده است:

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مِنَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»^{۳۴}

و در آیاتی دیگر، این نیایش به صورت تسبیح و حمد عمومی آمده است:

«... وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِخُ بِحَمْدِهِ...»^{۳۵}

در باره‌ی معنای تسبیح، نظرات و آرای متفاوتی گفته شده است. برخی کوشیده‌اند در یک نگاه کلی، تسبیح موجودات را مجازی قلمداد کنند و آیات و روایات را در این باره به تاویل بزنند. ولی اعتقاد غالب آن است که این تسبیح، حقیقی است و مجازی نیست. به عبارت دیگر، برخی این تسبیح را تسبیح حالی دانسته‌اند و برخی تسبیح قلبی:

۱. جمعی معتقدند که همه‌ی ذرات موجودات عالم، از عاقل گرفته تا بی‌جان غیرعاقل، همه دارای یک نوع درک و شعور هستند و در عالم خود، تسبیح و حمد خدا می‌گویند؛ هر چند ما قادر نیستیم به نحوه‌ی درک و احساس آن‌ها پی ببریم. آیات زیر به این جنبه اشاره دارند:

«الْف) وَإِنْ مِنْهَا لَمَّا يَغْطِ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ...»^{۳۶}

۲. بسیاری معتقدند، این تسبیح و حمد همان چیزی است که ما آن را «زبان حال» می‌نامیم؛ حقیقی است نه مجازی و به زبان حال است. نه فال. این معنا برای تسبیح موجودات کاملاً قابل درک است و نیازی نیست که برای همه‌ی موجودات عالم، درک و شعور قائل باشیم. زبان حال، همانند یک تابلوی بتیاریت، شاهکاری

